خراسان روزنامه صبح ایران
پنج‌شنبه ۵ مرداد ۱۳۹۶ . ۳ ذی‌القعده ۱۴۳۸ . شماره ۱۹۵۹۳

هماهنگی ایران و روسیه برای تولید ایزوتوپ‌های پایدار

میزان- در جریان سفر کمالوندی سخنگوی سازمان انرژی اتمی به روسیه، درباره نقشه راه همکاری تهران و مسکو در تولید مشترک سوخت هسته‌ای و تبیین اقدامات عملی آینده رایزنی شد. بر اساس این گزارش در این سفر بین دو طرف درباره همکاری‌های بین‌المللی در قالب برجام موضوع تولید ایزوتوپ‌های پایدار طرح و هماهنگی لازم صورت گرفت.

تحلیل دیگران

اصلاح طلبان از جان «ناطق» چه می خواهند؟

در چند سال اخیر اصلاح‌طلبان -به‌ویژه در حوزه رسانه- زیاد به ناطق نوری می‌پردازند. اگر یک نفس عمیق بکشد یا یک سرفه بکند عکس یک صفحه می‌شود. واقعاً به وی علاقه‌مندند یا او را به سخره گرفته‌اند؟ چرا با ناطق برای خودشان نسخه نمی‌پیچند اما وی را برای رقیب مفید می‌دانند؟ چرا اصرار دارند او اصول‌گرا باشد و نوازشش کنند؟ مشکل از ناطق است یا اصول‌گرایان؟ مشکل از نظام است یا نفاق نوازش کنندگان؟! عبدا... گنجی مدیر مسئول روزنامه جوان در ادامه تحلیل خود از مباحث اخیر در مورد ناطق نوری نوشت: روزی ناطق نوری تشکیلاتی‌ترین و متعصب‌ترین عنصر جناح راست بود. همین جماعت (جناح چپ) از ورودوی به مسجد دانشگاه برای نماز جلوگیری کردند و در انتخابات ۱۳۷۶ -عین امسال روحانی- او را متهم به دیوارکشی جنسیتی کردند. آن روز او را می‌زدند که چرا در پازل هاشمی است و امروز او را می‌نوازند که در راه و میراث‌دار هاشمی است. یک روز او را رئیس مجمع می‌کنند. یک روز مدیر اتاق فکر دولت. یک روز او را روانه شهر نور می‌کنند و یک روز از لواسان آمارش را می‌دهند. یک روز اصول‌گرای معتدل معرفی‌اش می‌کنند و یک روز پرچم‌دار اصول‌گرایان جوهری.

تا قالیباف نامه نواصول‌گرایی را نوشت دوباره عکس یک یا دو روز نامه شد (سه‌شنبه همین هفته، "رنسانس اصول‌گرایی") و نوشتند؛ "ممکن است وی پایه‌گذار یک تحول جدید در جریان اصول‌گرا باشد" و باز نوشتند؛ "ناطق می‌تواند پایه‌گذار احیای اصول‌گرایی در ایران باشد" و همچنین عنوان کردند؛ "خاموشی نوری دیگر در دانشگاه آزاد" (پس از استعفا از هیئت امنا). واقعاً این جماعت از جان ناطق چه می‌خواهند؟! اگر ناطق را صاحب این همه حسن و کمال می‌دانند چرا در حلقه اصلاح‌طلبان مورد مشورت و مرجعیت نیست؟ چرا عضو شورای عالی یا شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان نیست. چرا ناطق را برای همسایه مفید می‌دانند؟ اولین توهین این مواجهه به خود ناطق است و او باید به این بازی پایان دهد. به یقین وقتی آنان ناطق را محور اصول‌گرایان می‌پسندند یعنی به اصول‌گرایی بدون خاصیت و ضعیف شده می‌اندیشند. مگر می‌شود یک جریان سیاسی دنبال احیا و تقویت رقیب باشد؟! پس ناطق باید بداند که آنان با هل دادنش به خطوط اول اصول‌گرایان، به دنبال طرد و نابودی سیاسی‌اش هستند نه تکریم وی. به دنبال تضعیف رقیب‌اند نه تقویت آن. آیا ناطق باید تضعیف‌کننده جریان مادری شناخته شود؟! مگر الان اصول‌گرایان توصیه می‌کنند چه کسی یا کسانی برای محوریت اصلاح‌طلبان مناسب‌اند؟ که عکس آن نیز طبیعی باشد؟ روزی یک بار شکست ناطق در ۷۶ را مقابل چشمش می‌آورند که ما تورا به رسمیت می‌شناسیم اما برای همسایه نه برای خودمان و ناطق به خوبی این بازی را می‌فهمد. اما مشکل ناطق قبل از این که سیاسی باشد روان‌شناختی است. ناطق تراز خود را رئیس قوه می‌داند و دوست دارد سر باشد. مرجع باشد. محور باشد. پشت صحنه را آرایش دهد و همه برایش لنگ بیندازند.

وقتی این تراز برای او رعایت نشود دچار ناسازگاری می‌شود و شده است. نقاد وضع موجود می‌شود. او هر مسئولیتی را نمی‌پذیرد و شأن خود نمی‌داند لذا جایگاه‌تراشی برای وی دومین توهین به ایشان است. ظاهراً قرار است با یک مشت احمدی‌نژاد تا پایان عمر دلخور بماند. چون در پسا احمدی‌نژاد نه او توانست به اردوگاه مادری برگردد و نه اصول‌گرایان به فکر دلجویی و بازگشت وی افتادند. ناطق نازکش می‌خواهد اما در جریان او، هیچ کس ناز دیگری را نمی‌کشد.

برادر بزرگ ایشان در سال ۱۳۷۶ گفت؛ "برادرم ذوب در ولایت است". اما ناطق این روزها به "مولوی-ارشادی" معتقد است. اشاره‌های آقا را دنبال نمی‌کند اما حتماً به حکم و دستور آقا تمکین حداکثری می‌کند و این مشی نیز برای اصلاح‌طلبان جذاب جلوه کرده است. جذابیت دیگرش زود دست به استعفا شدن است که با ناز کشی حل می‌شود. اما ناطق باید از آنان بخواهد و بگوید اگر این همه لطف در حق من دارید، اجازه دهید یک بار بالای مجلستان بنشینم تا راستی آزمایی صداقت و نفاق روشن شود. فقط خود ناطق است که می‌تواند به این بازی تمسخرآمیز و نفاق‌آلود پایان دهد.

احتمال تقابل آمریکا با ایران از دیدگاه مؤسسات پژوهشی آمریکا

حدود ۷ ماه است که دولت جدید آمریکا در کاخ سفید مستقر شده است؛ اما هنوز دولت ترامپ سیاست جامعی در قبال ایران در پیش نگرفته است. دونالد ترامپ از آغاز مبارزات انتخاباتی و در ادامه پس از پیروزی در انتخابات مواضع مختلفی در قبال معرفی دشمنان آمریکا اتخاذ کرده و از داعش، کره شمالی، کوبا، ایران و ... به‌عنوان دشمنان اصلی آمریکا نام برده است. در طی ۷ ماه گذشته، دولت وی در قبال ایران طیف گسترده‌ای از سیاست‌ها را از جمله کمک به اپوزیسیون، تغییر رژیم، تقویت ائتلاف‌های منطقه‌ای علیه ایران، تقابل‌های نیابتی، تشدید فشارهای اقتصادی و تحمیل تحریم جدید و ... به کار گرفته است. در این میان، مؤسسات پژوهشی نومحافظه‌کار تلاش زیادی کرده‌اند که وی را به سوی اتخاذ سیاست‌های تهاجمی علیه ایران ترغیب کنند. در تازه‌ترین این تلاش‌ها «مارک دوبوویتز»، مدیر اجرایی بنیاد موسوم به «دفاع از دموکراسی»، از دولت ترامپ خواسته که روش ریگان علیه شوروی را برای مقابله با ایران در پیش گیرد و با استفاده از ابزارهای قدرت آشکار و نهان در صدد فروپاشی ایران بر آید؛ یا «ری تکیه»، کارشناس شورای روابط خارجی آمریکا، از دولت این کشور خواسته تا برای تغییر نظام سیاسی ایران خود را آماده کند. در این میان، طی یک ماه اخیر به‌طور خاص، این موضوع که آیا تلاش‌های نامنسجم آمریکا در قبال ایران ممکن است که به برخورد نظامی بینجامد؟ مورد توجه کارشناسان قرار گرفته و تحلیل گران و ناظران بین‌المللی متعددی از فرید زکریا، تا سیمون هرش و پل پیلار، درباره بروز جنگ علیه ایران، هشدار داده‌اند. آن‌ها معتقدند که مجموعه‌ای از عوامل و مقتضیات احتمال خطر منازعه مسلحانه میان ایران و آمریکا را افزایش داده‌اند. در نوشتار حاضر تلاش شده است تا مهم‌ترین محورهایی که از سوی کارشناسان آمریکایی به‌عنوان دلایل احتمال برخورد نظامی میان آمریکا و ایران مورد اشاره قرار گرفته است تشریح و بررسی شود.

۱- ضد ایران‌گرایی در گفتمان آمریکا: در ماه‌های اخیر به‌طور گسترده و مکرر شاهد به کارگیری ادبیات خاص مانند: حکومت دینی استبدادی، بزرگ‌ترین حامی تروریسم، رفتارهای بی‌ثبات‌ساز و شرورانه در راستای کسب هژمونی منطقه‌ای و در تازه‌ترین آن‌ها مطرح شدن بحث تغییر مسالمت‌آمیز رژیم از سوی وزیر خارجه آمریکا در مورد ایران بوده‌ایم که این امر احتمال همکاری ایران و آمریکا را خارج از حوزه توافق هسته‌ای از میان می‌برد. در این میان، جیمز متیس، وزیر دفاع آمریکا، به تازگی ایران را «بی‌ثبات‌کننده‌ترین نیرو در غرب آسیا» خوانده است. تحلیل گری مثل دنیس راس، نیز حتی پیروزی بر داعش را منوط به مقابله با ایران دانسته است.

۲- تلاش لابی ضد ایرانی: با وجود توافق هسته‌ای ایران و پایبندی ایران به اجرای برجام به گونه‌ای که حتی دولت جدید آمریکا نیز این پایبندی را تصدیق کرده؛ اما گروه‌های فشار زیادی در آمریکا رویکرد خصمانه در قبال ایران پیش گرفته و منافع خود را در برهم زدن توافق و انزوای ایران قرار داده‌اند. حامی اصلی این گروه‌ها رژیم صهیونیستی و لابی معروف این رژیم در آمریکاست که بیشترین نقش را در تلاش‌های کنگره آمریکا برای تشدید تحریم‌ها علیه ایران در ماه‌های اخیر به عهده گرفته است. با توجه به تأثیر آشکار لابی رژیم صهیونیستی بر ترجیحات سیاست ترامپ در قبال ایران، برخی کارشناسان معتقدند، احتمال دارد دولت ترامپ مواجهه با ایران را به‌عنوان گونه‌ای غرامت به نتانیاهو برای گرفتن امتیاز وی در قبال موضوع فلسطینیان مدنظر قرار دهد.

۳- ضد اوباما گرایی و مخالفت با توافق هسته‌ای: تصویب لایحه مراقبت‌های بهداشتی و توافق هسته‌ای ایران به ترتیب به‌عنوان ۲ دستاورد اصلی سیاست داخلی و خارجی دولت اوباما محسوب می‌شود. به‌دنبال به قدرت رسیدن ترامپ و سیطره جمهوری‌خواهان بر کنگره تلاش‌ها برای از میان بردن این ۲ دستاورد دولت اوباما تشدید شده است. ترامپ در عین تأیید این که ایران به تعهدات خود پایبند است؛ اما هنوز مخالف آن چیزی است که در توافق هسته‌ای ایران با آن موافقت شده است. به اعتقاد کارشناسان با توجه به وجهه بین‌المللی توافق هسته‌ای، آمریکا تلاش می‌کند نه به‌طور مستقیم بلکه از طریق برخورد با ایران در دیگر حوزه‌ها این توافق را از میان ببرد.

۴- احتمال برخورد دو طرف در منازعات نیابتی: احتمال برخورد نظامی میان آمریکا و ایران در منازعات نیابتی به ویژه در سوریه از دیگر موضوعاتی است که کارشناسان نیز به آن توجه کرده‌اند. این کارشناسان در زمینه جنگ‌های نیابتی به مواجهه و اختلافات ایران و آمریکا در سوریه از جمله منازعه مستقیم آمریکا طی یک ماه گذشته با نیروهای بشار اسد، حزب‌ا... و حتی سپاه قدس ایران در سوریه به ویژه ۳ حمله به نیروهای نظامی تحت حمایت ایران و سرنگونی یک پهپاد ساخت ایران در ماه اخیر و کمک واشنگتن به عربستان در قبال بحران یمن و همزمان بستن درهای گفت‌وگو با ایران که دولت اوباما باز کرده بود اشاره کردند و این عوامل را از جمله نشانه‌های احتمال برخورد نظامی میان دو طرف دانسته‌اند. ضمن این که آمریکا ترجیح می‌دهد به جای روسیه، ایران را در سوریه هدف قرار دهد.

۵- نقش نخبگان نظامی در دولت ترامپ: رویه ترامپ در انتصاب تصمیم گیرندگان وزارت دفاع و مشاوران از میان نیروهای نظامی برجسته و دارای سابقه و تجربه شرکت در منازعات نظامی به‌عنوان یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر احتمال تشدید درگیری میان ایران و آمریکا معرفی شده است. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان مشاورانی با سابقه جنگی و رویکردتهاجمی اطراف ترامپ را محاصره کرده‌اند و خواستار اتخاذ رویکرد تهاجمی در مورد ایران هستند. افرادی مثل جیمز ماتیس، وزیر دفاع کنونی و رئیس سابق فرماندهی مرکزی آمریکا در غرب آسیا؛ هربرت مک مستر، مشاور امنیت ملی؛ ژوزف دانفورد، رئیس ستاد مشترک ارتش؛ و ... می‌توانند بر تمایل آمریکا برای دخالت نظامی بیشتر در منازعات منطقه‌ای تأثیرگذار باشند. در این میان دخالت فعالانه‌تر نظامی آمریکا در سوریه می‌تواند نشانه‌ای بر این امر باشد.

۶- افزایش میل ستیزه‌جویی در میان سعودی‌ها: در ماه‌های اخیر تنش میان عربستان و ایران به ویژه به خاطر سرسختی عربستان به‌طور قابل توجهی تشدید شده است. انتصاب محمد بن سلمان، به ولایتعهدی عربستان و مواضع وی در قبال ایران (متهم کردن ایران به دخالت در یمن و خواست وی برای کشاندن جنگ به داخل ایران) و همچنین بحران اخیر قطر و بروز چند دستگی در شورای همکاری خلیج فارس همگی به‌عنوان عواملی که عادی‌سازی روابط ایران و عربستان را مشکل کرده، مورد توجه قرار گرفته است. در این میان، به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، ترامپ به شرکای سنتی خود در منطقه یک چک سفید در حوزه امنیت غرب آسیا داده و از این طریق آن‌ها را به ترغیب سیاست‌های بی‌پروایانه در برابر ایران واداشته است. بر همین اساس، کمتر از یک ماه بعد از سفر ترامپ به عربستان، نیروهای تحت حمایت عربستان به مجلس و مرقد امام خمینی(ره) حمله کردند. به هر حال، به اعتقاد این کارشناسان تشکیل ائتلاف منطقه‌ای عربستان علیه ایران با همراهی کامل آمریکا از یک سو و تمایل آمریکا برای استفاده از نیروهای نظامی علیه نیروها و ائتلاف اسد از سوی دیگر، می‌تواند زمینه جنگ میان دو کشور را تشدید کند.

۷- نقش و شخصیت رئیس جمهور آمریکا: ویژگی‌های شخصی، عدم انسجام میان سیاست‌های اتخاذ شده از سوی ترامپ، تأکید بر سیاست‌های کوتاه‌مدت و پوپولیستی بدون توجه به عواقب بلندمدت، میل شدید به خودپرستی به هزینه منافع ملی گسترده‌تر از دیگر عواملی است که کارشناسان در این زمینه به آن اشاره کرده‌اند.

۸- استفاده از جنگ خارجی برای منحرف کردن افکار عمومی از مشکلات داخلی: برخلاف آن چه ترامپ در دوران تبلیغات خود به‌منظور فاصله گرفتن از مداخله خارجی در غرب آسیا مدعی شد، جنگ‌های خارجی همیشه بهترین راه برای انحراف افکار عمومی از مشکلات داخلی و احیای حمایت عمومی در آمریکا بوده است. در این میان، با توجه به مشکلات فزاینده ترامپ در داخل آمریکا و ناکامی وی در تحقق بسیاری از وعده‌های انتخاباتی، گزینه جنگ خارجی می‌تواند به‌عنوان راهی برای انحراف افکار عمومی مورد توجه قرار گیرد.

۹- ترس از افزایش نفوذ ایران: به گفته کارشناسان، ترس از افزایش نفوذ ایران سبب شده که دولت ترامپ در صدد لغو توافق هسته‌ای، تشدید شماری از جنگ‌های نیابتی، مطرح کردن تغییر رژیم در ایران و حتی دخالت در مهم‌ترین عامل همه جنگ‌های منطقه یعنی روایات شیعه و سنی از اسلام برآمده و در این متن طرف عربستان سعودی قرار گرفته است. از نظر آمریکا، همچنان تهران به حزب‌ا... کمک مالی و آمریکایی‌ها را دستگیر می‌کند و سعی دارد نفوذ خود را از جمله در عراق گسترش دهد. در این میان، ترامپ این دیدگاه ساده‌سازی شده از سوی سنی‌ها تحت هدایت عربستان را پذیرفته که جریان شیعی به رهبری ایران برای کسب هژمونی منطقه‌ای مسبب تمام مشکلات منطقه است.

اگرچه موارد فوق به‌عنوان عوامل تأثیرگذار بر احتمال برخورد نظامی میان آمریکا و ایران از سوی مؤسسات پژوهشی آمریکا برشمرده شده‌اند، با این حال بسیاری از کارشناسان منتقد، سیاست منازعه نظامی با ایران را دارای عواقب بسیار منفی برای منافع آمریکا دانسته‌اند. در این میان، هزینه مالی و جانی برای آمریکا، قدرت‌گیری عناصر تندرو در سیاست ایران و متعاقب آن از میان رفتن توافق هسته‌ای و حرکت ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای و... از جمله عواقب منفی برخورد نظامی با ایران یاد شده است.

منبع: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی تهران (tisri.org)

خبر مرتبط

ریچارد هاس: باید روی چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران تمرکز کنیم

در ادامه اظهار نظرها درباره ایران در آمریکا، دیپلمات اسبق آمریکایی و رئیس کنونی اندیشکده شورای روابط خارجی آمریکا به همراه وزیر دفاع دولت باراک اوباما در مورد ایران صحبت کردند. به گزارش فارس، قسمت اعظم این نشست به صحبت درباره کره شمالی، چین و مواضع آمریکا در قبال تنش‌ها در شبه جزیره کره گذشت. رئیس شورای روابط خارجی آمریکا که به تازگی در اندیشکده میزبان وزیر خارجه ایران بود، در نشست تازه سازمان متبوعش، از «چالش‌های منطقه‌ای ایران» برای آمریکا سخن گفت. «ریچارد هاس» گفت: «آنچه که ما شاهدش بودیم تایید پایبندی ایران به توافق (برجام) از روی بی میلی بود اما به هر حال تایید پایبندی بود. تحریم هایی که به تازگی اضافه کردیم (تحریم های وزارت خزانه داری آمریکا علیه ایران) به حوزه های دیگری غیر از هسته‌ای مرتبط بود. این توافق منحصر در توافق هسته‌ای بوده است». دیپلمات اسبق وزارت خارجه آمریکا ادامه داد: «به نظر من به نفع آمریکا نیست که یک جانبه توافق را بشکند چون وقتی ایران در حال عمل به تعهداتش است و ما این کار را بکنیم، این ما هستیم که خودمان را منزوی می کنیم و نه ایران را». هاس افزود: «به نظر من آمریکا باید روی مدیریت آن چه که آن را "چالش های ژئوپلیتیکی ایران در منطقه" می خوانم، تمرکز کند. ایران یک قدرت حافظ وضع موجود نیست و ما باید این موضوع را جدی بگیریم و این تا حد بسیاری جدا و خارج از موضوع توافق هسته‌ای است. البته ما باید به این هم فکر کنیم که بعد از انقضای اجرای بخش های کلیدی توافق چه باید بکنیم. باید به این موضوع که پاسخ چندجانبه پس از پایان یافتن مدت اجرای بخش های کلیدی توافق چه خواهد بود، فکر کنیم». وزیر دفاع سابق آمریکا در بخشی از این نشست، با انتقاد از مواضع روسیه به ویژه در قبال سوریه و اوکراین، درباره اهداف و مقاصد ولادیمیر پوتین و تاثیرات آن ضد منافع آمریکا در جهان هشدار داد. اشتون کارتر البته درباره همکاری‌های روسیه با آمریکا در سال‌های اخیر، به توافق هسته‌ای اشاره کرد و گفت: «در موضوع ایران، آن‌ها (دولت روسیه) تا اندازه‌ای با آمریکا همکاری کردند.» آخرین وزیر دفاع دولت باراک اوباما در ادامه تاکید کرد که روسیه در مسائل مختلف از قبیل سوریه، اوکراین و موضوع «حملات سایبری به انتخابات آمریکا»، در حال انجام اقداماتی مغایر با منافع واشنگتن بوده است.

حجت‌الاسلام موسویان: «مجمع مدرسین و محققین» و «روحانیون مبارز» ادغام نمی‌شوند

عضو شورای مرکزی مجمع مدرسین و محققین خبر ادغام این تشکل را با مجمع روحانیون مبارز تکذیب کرد. حجت‌الاسلام ابوالفضل موسویان عضو شورای مرکزی مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم در گفت‌وگو با تسنیم، درباره خبر احتمال ادغام مجمع مدرسین و مجمع روحانیون مبارز، تاکید کرد: من به شدت این موضوع را تکذیب می‌کنم.

ما چنین بنایی نداریم، چرا که مجمع روحانیون در تهران است و بیشتر فعالیت اجتماعی و سیاسی دارد، اما ما در قم هستیم و بیشتر کارمان فعالیت در حوزه است و ادغام این دو معنا ندارد.

عضو شورای مرکزی مجمع مدرسین و محققین با بیان این که جلسات مشترک بین "مجمعین" طبیعی است، چون همه گروه‌ها ممکن است بین هم جلسات مشترک داشته باشند، گفت: ما هم با مجمع روحانیون اختلافی نداریم، ولی کار ما دو تشکل از هم جداست. وی درباره برگزاری کنگره مجمع مدرسین گفت: هنوز تصمیمی برای برگزاری کنگره نداریم. براساس این گزارش به تازگی روزنامه آرمان از احتمال ادغام دو تشکل روحانی اصلاح‌طلب یعنی مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه و مجمع روحانیون مبارز خبر داده بود.

گفتنی است مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم از احزاب اصلاح‌طلب است که دبیر کلی آن را موسوی تبریزی بر عهده دارد. همچنین دبیر کل مجمع روحانیون مبارز بر عهده موسوی خوئینی‌ها است.

سر لشکر باقری: شکست کامل راهبردها و سیاست‌های منطقه‌ای استکبار و صهیونیسم گریز ناپذیر است

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح اعلام کرد: با فروپاشی خلافت خودخوانده داعش در موصل، شکست کامل راهبردها و سیاست‌های استکبار، صهیونیسم و جاهلیت قبیله آل سعود گریزناپذیر است. به گزارش روابط عمومی حوزه ریاست ستاد کل نیروهای مسلح، سر لشکر محمد باقری در پیامی به یاد و اره سرداران و ۲۶۵ شهید اطلاعات قرارگاه نجف نیروی زمینی سپاه بر ضرورت بازخوانی و ایفای نقش‌ها و مسئولیت‌های سنگین جامعه در زنده نگه داشتن نام شهدا و بزرگداشت آنان به عنوان یک نیاز اساسی و فریضه فراموش ناشدنی تأکید کرد. وی در این پیام با تأکید بر لزوم درک شرایط حساس و سرنوشت ساز امروز آورده است: تحولات منطقه و دستاوردهای شگرف "مقاومت اسلامی" در نبرد با "تروریسم تکفیری" با فروپاشی خلافت خودخوانده داعش در "موصل"، شکست کامل راهبردها و سیاست‌های "استکبار"، "صهیونیسم" و جاهلیت "قبیله آل سعود" را گریزناپذیر کرده است. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح همچنین با اشاره به این که پیروزی مقاومت اسلامی عبور موفق و سربلند دنیای اسلام و ملت ایران از پیچ تاریخی بزرگ و راه‌یابی به دروازه های تمدن نوین اسلامی را نوید می دهد آورده است: بازخوانی و ایفای نقش‌ها و مسئولیت‌های سنگین خود در زنده نگه داشتن نام "شهدا" و بزرگداشت آنان به عنوان یک نیاز اساسی و فریضه فراموش ناشدنی، همچنان باید دستور کار دایمی قرار گیرد و به فضل الهی در این مسیر مبارک، منویات و رهنمودهای نافذ و حکیمانه رهبر معظم انقلاب را قطب نمای تلاش و کوشش خود قرار دهیم. وی در بخش دیگری از این بیانیه آورده است: بی‌تردید اگر مجاهدت‌ها و حماسه آفرینی‌های شهیدان و تربیت یافتگان مکتب "انقلاب اسلامی" و "ولایت فقیه" نبود، همه روزهای روشن ملت و کشور عزیزمان ایران، زیر چتر سیاه سیاست‌ها و دشمنی‌های نظام "سلطه" و "استکبار" به شب‌های تیره و تار تبدیل می شد، به گونه‌ای که از انقلاب و نظامی که هم اینک الگوی ملت‌های "استکبارستیز" و "سلطه گریز" شده است، نشانه‌ای باقی نمی ماند.

ذوالفقاری: ایران و ترکیه برای مقابله با گروه‌های تروریستی در مرزهای مشترک هم نظرند

معاون امنیتی وزارت کشور با اشاره به این که ایران و ترکیه در جریان مقابله با گروه‌های تروریستی در مرزهای مشترک هم‌نظر هستند، گفت: همکاری‌های امنیتی دو کشور به تامین امنیت مرزهای غربی کشورمان کمک می‌کند. حسین ذوالفقاری در گفت و گو با ایسنا، درباره صورت جلسه نتیجه اولین نشست کارگروه مشترک جمهوری ترکیه و جمهوری اسلامی ایران که توسط معاون امنیتی وزیر کشور ایران و قائم‌مقام وزیر کشور ترکیه امضا شد، اظهار کرد: این رفت و آمدها و نشست‌ها می‌تواند به تبادل نظر و نزدیک شدن دیدگاه‌های دو کشور در مسائل کلان از جمله ناامنی‌های منطقه کمک کند زیرا ممکن است کشورهای همسایه به صورت دقیق در جریان اتفاقات نباشند بنابراین این نشست‌ها به همفکری و هم‌نظری دو کشور کمک می‌کند. وی در ادامه افزود: ما امیدواریم این نشست‌ها به یک نگاه و اقدام مشترک دو کشور در مسائلی که منطقه و کشورهای اسلامی درگیر آن هستند، منجر شود. این نشست‌ها به کاهش تنش و هماهنگی در اقدامات کمک می‌کند. ذوالفقاری در پاسخ به این پرسش که آیا همکاری ایران و ترکیه در تامین امنیت مرزی غرب کشور تاثیرگذار است، تاکید کرد: به یقین همین طور است. خوشبختانه ایران و ترکیه در جریان مقابله با گروه‌های تروریستی در مرزهای مشترک هم‌نظر هستند. چنین نشست‌هایی می‌تواند روند مقابله با گروه‌های تروریستی را سرعت ببخشد. تلاش ما هم این است که ارتباط بین دستگاه‌های امنیتی و نیروهای مرزی دو کشور افزایش یابد تا اطلاعات مربوط به گروه‌های تروریستی در اختیار ایران و ترکیه قرار بگیرد. معاون امنیتی وزارت کشور در پایان با اشاره به این که گروه‌های تروریستی از منابع حاصل از قاچاق مواد مخدر استفاده می کنند، گفت: با هماهنگی میان دو کشور می‌توان قاچاق مواد مخدر را مهار کرد و مانع دستیابی تروریست‌ها به منابع مالی حاصل از قاچاق مواد مخدر شد. در نشست کارگروه مشترک ایران و ترکیه بر موضوعاتی از جمله همکاری عملیاتی و تبادل اطلاعات امنیتی برای مقابله با گروهک‌های تروریستی، مقابله با قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان، شناسایی و تحدید منابع مالی گروهک‌های تروریستی، مقابله با پولشویی، مقابله با اقدامات تبلیغاتی گروهک‌های تروریستی، جلوگیری از مهاجرت‌های غیرقانونی، اتخاذ تدابیر لازم و استقرار نیروهای کافی در پاسگاه‌های مرزی، تبادل اسامی و اطلاعات اعضای دستگیرشده گروهک‌های تروریستی، همکاری برای مقابله با داعش و مقابله با قاچاق انسان توافق شد.

تحولات منطقه

ایران و کویت؛ نزدیک اما دور

روابط ایران و کویت را باید چگونه فهم کرد و منطق رفتارهای ضد ایرانی کویت چیست؟ به نظر پاسخ به این پرسش در شرایطی که رفتارهای کویت کمی بیش از حد سینوسی شده، می‌تواند زمینه‌ساز اتخاذ رویکردی هوشمندانه‌تر از سوی تهران شود؛ رویکردی که در عین عزت‌مداری، حکیمانه است. موسسه ابرار معاصر در یادداشتی با اشاره به تحولات اخیر منطقه به روابط ایران و کویت پرداخته و این رابطه را «نزدیک اما دور» توصیف کرده است. در ادامه این یادداشت آمده است: کویت طی روزهای اخیر، گام دوم در کاهش سطح روابط دیپلماتیکش با ایران را برداشت. وزارت خارجه این کشور پس از احضار سفیر جمهوری اسلامی ایران، به‌صورت رسمی از او خواست تا تعداد کارمندان سفارت را از نوزده نفر به چهار نفر کاهش دهد. علاوه بر این، دفتر رایزنی فرهنگی ج.ا.ایران در کویت بسته و فعالیت کمیته‌های مشترک میان دو کشور هم متوقف شد؛ البته برخلاف برخی خبرها، کویت خواستار خروج سفیر ایران از این کشور نشد. دولت کویت این اقدامات را به بهانه پرونده گروهک العبدلی انجام داد. او اخر مرداد ۱۳۹۴ کویت ادعا کرد گروهی را با مقادیر زیادی سلاح و مهمات دستگیر کرده که با حزب‌ا... لبنان و ایران در ارتباط بوده‌اند. اما گام اول کویت در کاهش سطح روابط دیپلماتیکش با ایران، به روزهای پس از اعدام شیخ النمر و تعرض به سفارت عربستان در تهران مربوط می‌شود. کویت تحت تاثیر عربستان سعودی در اعتراض به این رفتار، سفیرش را از ایران فراخواند و به صورت یک جانبه، سطح روابطش با ایران را کاهش داد. برای فهم رفتارهای این چنینی کویت، شاید بررسی زمانی اتخاذ چنین مواضعی از سوی این کشور، راهگشا باشد. گروهک العبدلی، زمانی بازداشت شد که برجام میان ایران و کشورهای عضو ۵+۱ امضا شده بود و فضاسازی علیه ایران به رهبری عربستان در حال شدت گرفتن بود. فراخوانی سفیر از ایران پس از حمله به سفارت عربستان در تهران و در همسویی کامل با عربستان و سایر کشورهای عربی صورت گرفت و تقلیل کارمندان سفارت ایران و بستن دفتر رایزنی فرهنگی این کشور در کویت هم دقیقاً در زمانی رخ داد که عربستان و امارات به همراه بحرین و مصر، عرصه را بر قطر تنگ کرده‌اند. واقعیت این است که کویت را باید در زمین بازی عربستان تحلیل کرد؛ با این ملاحظه که کویت بازیگر شماره ده ریاض نیست، بازیگری است که بعضاً روی نیمکت ذخیره‌ها می‌نشیند و واهمه دارد که مورد غضب مربی واقع شود. کویت دقیقاً در روزهایی در حوزه دیپلماتیک علیه ایران شوریده که فضای سیاسی و روانی منطقه از سوی عربستان، ضد ایرانی شده است؛ چه پس از برجام، چه پس از اعدام شیخ نمر و چه حالا که از نزدیک شاهد مواجهه عربستان با قطر است. قطری که مهم‌ترین جرمش، علاوه بر رابطه با اخوان‌المسلمین، زدن سازی متفاوت از عربستان و امارات علیه ایران است. کویت و عمان با سطحی متفاوت از قطر به ایران نزدیک هستند. کویت یکی از مقاصد سفرهای منطقه‌ای دکتر ظریف پیش و پس از برجام بوده است، کویت با تعریف نقش اعتدالی، مأموریت انتقال پیام شورای همکاری خلیج فارس به ایران را طی ماه‌های قبل بر عهده داشت، کویت در فاجعه منا مورد رجوع وزارت خارجه ایران برای میانجی‌گری محدود قرار گرفت و برخلاف خواست عربستان، نه تنها کرسی دولت رسمی سوریه را در اتحادیه عرب در نشست این اتحادیه در سال ۹۳ در کشورش به مخالفان اسد نداد که اساساً آنها را دعوت هم نکرد و .... این همگرایی نسبی با ایران، تکرار سناریویی مشابه آنچه این روزها علیه قطر جریان دارد را محتمل می‌سازد، اگرچه تفاوت‌هایی ساختاری و ماهوی میان کویت و قطر وجود دارد.

کویت در بحران روابط قطر و ۴ کشور عربی، موضعی میانجی‌گرانه اتخاذ کرد و تمام‌قد در کنار عربستان جای نگرفت. اگرچه عربستان از این موضع استفاده کرد تا جایی که شروط ۱۳ گانه را از طریق امیر کویت به دوحه انتقال داد؛ اما میزانی از نارضایتی از کویت در میان رسانه‌های سعودی قابل مشاهده بود. آن‌ها به خوبی می‌دانستند که کویت هم به روابط با ایران علاقه‌مند است اگرچه این علاقه سطحی همیشگی از تنش را دارا باشد.

کویت حتما مطلع است که نظم شورای همکاری خلیج فارس در شرایط جدید از تلاش‌ها و هماهنگی‌های محمد بن زاید اماراتی و محمد بن سلمان سعودی، ایجاد خواهد شد که عمیقاً ضد ایرانی هستند. در این میان قطر بازیگری تجدیدنظرطلب-آن هم نه الزاماً همگرا با ایران-محسوب می‌شود که تحت فشار دو محمد است. سابقه رفتارهای ضد ایرانی کویت از یک سو و محافظه‌کاری امیر کهنسال کویت در میانه رقابت‌های امیران جوان امارات، عربستان و قطر، او را وادار به ارسال پیام‌های همراهانه با دو محمد کرده است. واقعیت این است که عملگرایی کویتی ایجاب می‌کرد که او زودتر از این‌ها اقدامی ضد ایرانی انجام می‌داد و حالا که محدودیت‌های دیپلماتیک برای سفارت ایران وضع کرده است، خیلی زود پیام تقدیر و حمایت ریاض را دریافت کرد.

فاصله کویت از ایران هم دور است و هم نزدیک. کویت به دلایل گوناگون که بخشی از آن‌ها به ترکیب هویتی داخلی او و مداخله عربستان در آن باز می‌گردد، تمایلی به اتخاذ رویکردهای شدید ضد ایرانی ندارد؛ اگرچه این به معنای هم‌گرایی معنادار او با تهران نیز تلقی نمی‌شود؛ اما کویت برای ماندن در نظم شورای همکاری خلیج فارس، ناچار است محافظه‌کارانه در جبهه عربستان قرار گیرد، اگرچه خود نیز تمایلاتی بر ضدیت با ایران دارد. تهران به همان میزان که دوری کویت در این گونه رویکردهای ضد ایرانی همچون کاهش سطح و نفرات دیپلماتیک خود را مشاهده می‌کند، زمینه تصمیم‌گیری کویت را هم باید مدنظر قرار دهد. حداقلی‌ترین تحلیل این است که کویت در ضدیت با ایران، مانند دیگران نیست. این تلقی حتما در موضع‌گیری تهران مؤثر است به گونه‌ای که هم عزت جمهوری اسلامی ایران در مقابل رفتار کویت حفظ شود و هم او فاصله‌اش را از ایران دورتر نسازد.

زیباترین و به یادماندنی‌ترین سخنان مشاهیر
سخن بزرگان
در صفحه «همشهری سلام»

تحلیل‌های روز را رصد کنید
www.Rasad.org
پایگاه تحلیلی دفتر پژوهش روزنامه خراسان